

چهره استالین بزرگ همیشه خواهد درخشید

پنجم مارس ۱۹۵۳ استالین بزرگ که بحق در جمع کلا سیکهای مارکسیسم جای شایسته خود را اشغال میکند در گذشت. استالین سراسر حیات خود را در خدمت پرولتاریا و در خدمت پیروزی انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم و در خدمت خلق های آسیا و آفریقا گذراند. او نه تنها از مارکسیسم - لنینیسم دفاع کرد بلکه با سهم تئوریک خود در یک رشته از مسائل مارکسیسم - لنینیسم را تکمیل بخشید. او با دشمنان مارکسیسم - لنینیسم و سوسیالیسم سرسختانه مبارزه کرد و آنها را از لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک درهم شکست. زمانی که استالین در رأس حزب قرار گرفت کشور روسیه عقب مانده و پراکنده و بی اثر جنگ جهانی اول و سپس جنگهای داخلی به پیرامون تبدیل شد بود. استالین میبایست بر روی پیرامون های روسیه عقب مانده نظامی نوین و نظامی سوسیالیستی بنا نهاد. برای نخستین بار بود که پرولتاریای روسیه تحت رهبری حزب بزرگ لنین به آزایش ساختمان سوسیالیسم می پرداخت و آنهم باتکیه بر نیروی خود بدین دریافت کوچکترین کنک از خارج، آنهم در شرایطی که دشمنان داخلی و خارجی سوسیالیسم با تمام قوا و به انحاء و سائل میکوشیدند این آزایش را با شکست مواجه گردانند. استالین بزرگ با نبوغ و اراده و پلادی که خود بر تمام مشکلات داخلی و خارجی غلبه کرد. پرولتاریا و خلقی شوروی را در ساختمان سوسیالیسم رهنمون گردید و ظرف مدت کوتاهی از کشور عقب مانده و پیرامون و بی اثر، جامعه سوسیالیستی متمدن و شکوفا آفرید. اقتصاد شوروی را فاعی نیرومند و پدید آورد. خلق های شوروی را از نظر ایدئولوژیک، سیاسی و سازمانی آنچنان وحدتی بخشید که همه افراد شوروی از خورد و کلان و بیرو جوان در جریان جمله، منافقانه و ناگهانی بربرهای فاشیست در صف مقدم همه جبهه ها و در سراسر پیشت جبهه، در جنگ منظم با جنگ، پارتیزانی اشغالگران فاشیست را درهم شکستند و ماغ آنها را با خاک مالیدند و به افسانه غلبه ناپذیر ارتش هیتلریا تبدیل بخشیدند. مقاومت قهرمانانه خلق شوروی در استالینگراد حماسه های آنچنان بزرگ آفرید که تاریخ از آن همیشه با عظمت و احترام یاد خواهد کرد. در تمام دوران جنگ میهنی که استالین بزرگ آنرا رهبری کرد نام استالین آنچنان نیروی به جنگجویان ارتش سرخ و پارتیزانهای بخشید که هیچ قدرتی را در برابر آنها یاری ایستادگی نبود. استالین بزرگ در رأس خلق شوروی و ارتش سرخ شوروی نقش نظام سوسیالیستی را از دست دشمنان محزون داشت بلکه در کار خلق های دیگر شریک را از خطر اسارت فاشیسم نجات داد. استالین در نظر پرولتاریای جهان و خلق های جهان بحق مظهر مارکسیسم - لنینیسم و مظهر سوسیالیسم و مظهر پیروزی بود. او در نظر پرولتاریا و خلق های جهان از ستایش و احترام شایسته ای برخوردار بود. دشمنان داخلی سوسیالیسم که در مقامات بالای حزب و کدو و ارتش شوروی لانه کرده بودند برای طرد مارکسیسم - لنینیسم و برانداختن سوسیالیسم ناگزیر میبایست چهره درخشان این مرد بزرگ را هدف میگرفتند. آنها مبارزه با مارکسیسم - لنینیسم و سوسیالیسم را با مبارزه علیه استالین آغاز کردند. کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی بر اساس نقطه عطفی در جنبش کمونیستی و کارگری جهانی بشمار میآید. در این کنگره خروش عظیمی با گزارش ملی و سخن خود جمله به مارکسیسم - لنینیسم و سوسیالیسم را شروع کرد. روینویسم را جایگزین مارکسیسم ساخت. حرکت جامعه سوسیالیستی را به قهر با سوی احیا سرمایه داری بنیاد نهاد و آنرا به پیش راند. جانشینان خروشیف و برژنف و دیگران با ادامه این راه از کشور سوسیالیستی شوروی یک کشور سوسیال امپریالیسم نیرومند بوجود آوردند و یک تئوری پیروزی خواسته شوروی را بجای دیکتاتوری پرولتاریا نشانیدند. در زمان استالین کشور شوروا پشتیبان و یار پرولتاریا و خلق های جهان در مبارزه شان با خطر محو مملی و طبقاتی بود. اکنون سوسیالیسم شوروی عامل انقیاد خلق های پشتیبان ارتجاع جهانی، یکی از بزرگترین نیروی ضد انقلاب و یکی از بزرگترین ستیزه گرانجامه بشری است. ارتش سرخ که زمانی باجی خلق های تحت اسارت فاشیسم بود و هر جا که قدم میکشید خلق آنها را آتش خود می کشید اکنون به ارتش ضد انقلاب، به ارتش اسارت خلقها تبدیل شده است که در همه جا به آن با خشم و نفرت میگردد.

در تاریخ جنبش کارگری جهانی، خیانتی به عظمت خیانت خروشیف و برژنف، کاسیکین و دیگران نمیتوان سراغ گرفت. اینها به مارکسیسم - لنینیسم و انقلاب، به سوسیالیسم، به آزادی و استقلال خلق ها خیانت ورزیدند یعنی درست همان آرمانهایی که استالین سراسر زندگی خود را در تحقق آنها و دفاع و پشتیبانی از آنها گذراند. از اینرو است که موضعگیری در قبال استالین خط تمایز میان احزاب و سازمانهای مارکسیست - لنینیست واقعی و احزاب روینویست است. در شرایطی که روینویست ها و دشمنان طبقه کارگر هنوز هم برای طرد جهان بینی پرولتاریا و سوسیالیسم حملات آشکار خود را با استالین ادامه میدهند، دفاع از استالین و استواری در آن همانا دفاع از مارکسیسم - لنینیسم و سوسیالیسم است. هرگونه تزلزل و لغزش در این زمینه بهرگونه اعراض از دفاع از استالین بهرگونه تاخیر ضمنی اتهامات استالین هم آوازی با روینویسم و دشمنان سوسیالیسم است.

استالین مارکسیست - لنینیست بزرگی است و مارکسیست - لنینیست بزرگی خواهد ماند. یک نگاه ولو بجمعی به تاریخ زندگی او، به آثار و مبارزات او، به این حقیقت است. استالین تئوری سوسیالیسم علمی را در مسائل متعدد دی مانند صنعتی کردن سوسیالیستی کشور، اشتراکی کردن کشاورزی، آموزش دیکتاتوری پرولتاریا و آموزش حزب انقلابی طراز نوین و نقش رهبری حزب در سیستم دیکتاتوری پرولتاریا تکامل بخشید. مبانی اقتصاد سوسیالیستی را بدست داد. سهم بسیار ارزنده ای در تدوین مسئله ملی و مستعمراتی او کرد و ضربه و غیره. پرولتاریا و خلق های جهان نام آموزگار و رهبر بزرگ خود را هرگز از خاطر نخواهند برد و پیوسته از او ستایش و احترام یاد خواهند کرد. روینویست ها و دشمنان سوسیالیسم بهیچ میکوشند تصویر این مرد بزرگ را سیاه کنند. چهره استالین برای همیشه خواهد درخشد.

آینده تابناک است

سالی گذشت و نوروز بگری فرارسید. نوروز عید توده های مردم است، روز جشن و سرور است. اما به برکت رژیم شاه خلقهای ایران از برگزاری این جشن همگانی ناتوان اند. در آن زمانها که پلیمای بنام سلطنت پهلوی مردم را گرفتار نکرده بود، هر خانواده ای حتی فقیر و تنگ دست میتوانست با همیان درآمد کم و ناچیز خود سفرها بچیند و کودکان گرسنه خود را با چیزی بیش از اجزای مهمان کند. در آن زمانها برنج، سبزی و ماهی ارزان و فراوان بود، بیازوبسیب - زمینی حکم کیما را پیدا نکرده بود، دستمزدها و حقوق های پائین بود ولی تورم مانند خوره به پول مردم نیفتاده بود و هرگز پول و حقوق ناچیزی که داشت میتوانست عید را بگذراند، از همه بهتر اینک به محصولات مورد نیاز تابناک نبود و قیمت ها سر بکشد نمیکشید. اما در ایران پهلوی زده امروز آنچنان فقر و تنگ دستی بر توده های زحمتکش مستولی است که نوروز برایشان مانند روزهای دیگر است. مانند روزهای دیگر روز بیرونی و بیخامانی است. دستمزدها و حقوقهای ایران کفاف حداقل هزینه زندگی را نمیدهد، اجاره مسکن بیرون تهران اکنون بیست و نیمی از دستمزدها و حقوق های ماهی بلعد، گرانیس همراه با کمبایی مواد خوراکی سطح زندگی توده های زحمتکش را هر روز بیشتر و بیشتر سقوط می کشاند. بیگاری زمین بویژه بر اثر مهاجرت دهقانان به شهرها وضع زحمتکش را باز هم بیشتر و بیشتر و خواست می برد. شاه بی حیایم در چشم خبرنگار میزد و میگردد؟ در کشور بیگاری نیست. در همان موقع که این دروغ بزرگ را میگردد زحمتکشان میهن ما که برای جستجوی کار و درآمد به کشورهای سوئد، خلیج فارس میروند، در ده در سکوت و تاریکی دریا فرو میروند و خانواده های در انتظار رسته آنها بیگاری از آنها می شنوند. شاهد درآمد نفت را بسود حفظ سلطنت خود خاتم بخش می کند، از کشورهای دیگر کارگر و کارمند وارد مینماید و این راهم وسیله پزشانی بیگاری در ایران قرار میدهد.

شاه و دولت خود متکذرات پیوسته از افزایش درآمد سرانه ملی صحبت میکنند. اما این افزایش درآمد ملی فقط محصول در آمد نفت است و این درآمد نفت دست زحمتکشان را نمیکرد و همه آن بحیب انحصارهای بین المللی بر میگردد، با بحیب کساد و سیری ناپذیر پیروزی بزرگ ایران و بویژه خاندان پهلوی سران پیوسته، درآمد زحمتکشان ایران بنسب هزینه زندگی نفتها ارتقا نیافته بلکه پائین آمده است.

سختی و مصیبت مردم میهن ما به گذران زندگی محدود نمیشود. جان و ناموس آنها در دست ساواک و نیروهای انتظامی است. هیچکس در جان و مال خود امین نیست. بقیه در صفحه ۳

کارگران ایران و «تاوارش» های روسی

بنظر اتحاد شوروی مهمترین وظیفه کشورهای در حال رشد - کشورهای کمبیا همه به استقلال کامل سیاسی دست یافتند - پرداختن به اقتصاد است برای آنکه استقلال اقتصادی خود را نیز بدست آورند. برای تاوارش بین استقلال اقتصادی هم تنها یک امکان وجود دارد و آن در از کردن دست نیاز سوری در سوسیالیسم است که اتحاد شوروی در رأس آن قرار دارد. تاوارش بین استقلال اقتصادی - سوری نیل به این هدف - روی آوردن به کشورهای با اصطلاح سوسیالیستی شوروی و اقارآن، چنین است یکی از نیز نگهانی و توسعه ای اتحاد شوروی برای نفوذ در کشورهای کم رشد نظارت بر اقتصاد آنها و غارت و استثمار آنها.

در سایه خیانت شاه کشورمان نیز از این کمک های اتحاد شوروی بی نصیب نماند. کارخانه ذوب آهن اصفهان یکی از آنها است. روینویست ها در رمزایای این کارخانه در سخن میدهند که ایران با کمک اتحاد شوروی بالاخره توانست تکتورهای آهن گدازی خود را بریا کند و گویا کمی در راه استقلال اقتصادی خود برد دارد. مظهر این استقلال اقتصادی اقتاد کنترل کارخانه در دست شورویها است که اکنون چند سال است بقیه در صفحه ۲

استقلال کشور شاه زده

کشورهای اقیانوس اطلس از جوان گسترده شاه سهم اندکی ندارند. و اخیرا نیز روابط ایران با شوروی و تار آنچنان بهبود یافته که راه بیوسکو و متحد و تحسین گشود و وارد بکر آوردن گشود مرکزی و کوشند بیک ایران قربانی روابط حسین همجواری شده اند.

بدینسان ملک سیاست مستقل شاه واقعا شاهانه است و فقط از مغز عنصری مزد و وطن فروش - وطن فروش به معنای واقعی کلمه میتواند تراوش کند. مبارزه شاه با دو اهر قدرت چیزی جز تسلط ساختن امپریالیسم آمریکا بر ایران، اجرای سیاست این امپریالیسم در چهارچوب استراتژی جهانی آمریکا و تا آنجا که ممکن باشد کشودن پای سوسیال امپریالیسم شوروی در ایران نیست. بدون شک سیاست امپریالیسم آمریکا مستلزم محدود ماندن نفوذ امپریالیسم روس در ایران و جلوگیری از نفوذ این امپریالیسم در منطقه خلیج فارس است.

شاه روز چهارم آبان ۱۳۰۴ گفت: هیچکس جز من حق اتخاذ تصمیم ندارد. آری درست است. هیچکس بجای شاه تصمیم نمیکرد که تجدید فرانس کند و پس از آنکه عزیز حیوا او را ضا شد زن جوان خود صوفی را از سر او کند، هیچکس بجای شاه تصمیم نمیکرد که رقم رشوه برای او در خرید اسلحه ناخرید های دیگر جفد ریاشد. هیچکس بجای او تصمیم نمیکرد که از آنرا که سهم شاهانه از غنیمت رابه او نبرد آخته اند بقیه در صفحه ۲

شاه در مصاحبه های مطبوعاتی خود هر موقع که فرصتی مینماید سیاست ایران را مستقل وطن مینماید و آنرا تخریب جهاننشان میکند. ملک سیاست مستقل وطنی بزم او نیست که با شرق و غرب روابط سیاسی و اقتصادی برقرار کرده است. هم از آمریکا و کشورهای امپریالیست اروپا اسلحه میخرد و هم از سوسیال امپریالیسم شوروی و هم کارشناسان آمریکائی را به کشور فرستاده و هم کارشناسان روسی را. خود شاهد رضا هم با خبر نگار مجله آلمانی اشینگل سیاست مستقل خود را توضیح میدهد: سلاحهای ما فقط آمریکائی نیستند من حتی سلاحهای روسی نیز دارم (۲۰۰) در مرکز خانه خیلی روسی داشتیم من نمیتوانم دقیقا بگویم که آیا هنوز هم در اینجا و آنجا تعدادی در ارتش یانه (البته که خیلی داریم - توفان) خبر نگار در شکفت مینماید: تقریبا عیب است؟ روسها و آمریکائیها در یک کشور فعالیت میکنند. اما شاه با منطق شاهانه: او را از شکفتن در برابر ما: اما این استقلال تار است نشان میدهد: (آیندگان ۱۲۷ آور ۱۳۰۵)

استقلال بزم شاه یعنی از روسها و آمریکائی ها و دیگران نیز نیست. لیستها اسلحه خریدن، یعنی کشور را جولا نگاه دستشان را نظامی روسی و آمریکائی قرار دادن. این استقلال طبیعتا به محیط اسلحه و ارتش محدود مینماید و محیط اقتصاد را هم در بر نمیکرد. البته فعلا سهم روسها و غارت تروتهای کشورهای و استثمار خلق مابین امپریالیسم آمریکا نمیشود ولی در هر حال روسها

پایان شب سیه سپید است

استقلال... بقیه از صفحه ۱
 شاهنشاه بدون شك مستقلا تصمیم میگیرد که عمل سائین خواننده زیبای ترک با مرتبه هنریته زیبای فرانسویزایه ایران دعوت کند و بهرکدام جواهرات و گردن بند های کران قیمت هدیه نماید... در اینگونه مسائل هیچکس جز او حق اتخاذ تصمیم ندارد... اما آنجا که صحبت از سیاست داخلی و خارجی است، آنجا که پای منافع امپریالیسم بویژه امپریالیسم آمریکا میانید استقلال شاه حرفی بچ و واهی است... در اینجا شاه آلت اجرائت است... آلت فعل است... اگر شاه ایران را مگر و سر بریزو طبقه خائشانه خود را که چیزی جز اجرای سیاست امپریالیسم و تاسیس منافع امپریالیسم نیست با جدیت و وفاداری انجام ندهد به او همان خواهد رسید که به زوال تویانزوال لول تول رسید... شاه برای حفظ سلطنت و امتیازات خاندان تنگین خود چاره ای جز پیروی از سیاست آمریکا ندارد.

ایران منطقه خلیج فارس منطقه استراتژیک مهمی است نقطه ای است که سرنوشت امپریالیسم و از آنجمله امپریالیسم آمریکا بدان وابسته است. تیار امپریالیسم به این منطقه نه تنها در حال کاهنریست، بلکه هر سال فزونی میگیرد. ابرقدرت آمریکا باید این منطقه حساس را برای خود حفظ کند و مانع شود که ابرقدرت شوروی بدان راه یابد. شاه به خیرنگار جمله نیوزویک میگوید: امنیت اروپا بدون ثبات و امنیت خلیج فارس واهی است. اروپای غربی، آمریکا و چین خلیج فارس را بعنوان قسمتی جدا ناپذیر از امنیت خودشان میدانند... روشن است که اگر چنین منطقه پر اهمیتی را بدست شاه می سپارند برای آنست که به او اطمینان کامل دارند، برای آنست که در سرکوب نیروهای انقلابی منطقه و در راستی تکی در برابر شوروی و از بهترین و وفادارترین خدمت گزاران خود بشمارند، برای آنست که او این سیاست را با توجه به استراتژی جهانی آمریکا و سیاست روزمره آن که با و الهام میشود مورد اجرا میکند.

گاه گفته میشود که شاه این سیاست را اجرا میکند برای آنکه در انطباق کامل با منافع ایران است و شاه گمان در اجرای این سیاست منافع کشور خود می اندیشد. این شبه استدلال از بیخ و بن نادرست است. البته منافع شاه و پیروان بزرگ وابسته به امپریالیسم با منافع امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا در انطباق است. اما منافع خلقهای ایران در تضاد عمیق با منافع شاه و طبقه حاکم ایران و در نتیجه در تضاد با منافع امپریالیسم است. امپریالیسم نیروهای میهن مارا با تاراج میبرد و خلقهای ایران را و دشمنانه استثمار میکند و برای تاسیس این غارت و استثمار آزادی و استقلال را از مردم ما میرباید و زندگی را بر توده ها نماند میکند. آیا اینها منافع خلقهای ایران است؟ ازکی تا بحال منافع غارت زده و بسا منافع غارتگر در انطباق است؟ ازکی تا بحال منافع استثمار شوندگان با منافع استثمارگر منافع منعم بده با منافع استثمارگر در انطباق است؟ اقتصاد ایران در دست امپریالیست ها و وابسته به امپریالیست است، سیاست ایران در دانه سیاست امپریالیسم آمریکا محصور است. ارتش ایران تحت نظارت ۲۰ تاسی هزار ستار آمریکائی است، فرهنگ ایران رنگ بوی فرهنگ آمریکائی بخود گرفته است. آهایک چنین وابستگی همه جانبه ای به امپریالیسم جایی برای استقلال ایران باقی میگذارد؟

کروه هائی را میتوان یافت که شاه را ضد امپریالیست میخوانند و در نتیجه بر شعار سرنگونی رژیم شاه صحره نمیکند. بنا بر آن شاه ضد امپریالیست است چون در کفرانس و حده در قطار افزایش ده درصد بهای نفت پشتیبانی کرد ماست. استنادی سطحی و نادرست است. این گروه ها در واقع برای درک ماهیت شاه از واقعیات ایران در کلیه زمینه ها، از سیاست و فعالیت این مردك خائن برنمیخیزند. برعکس آنها از پیش تصمیم خود را گرفته اند و برای تأیید قضاوت خود بدنبال فرائن و شواهد میگردند. يك زمانه از ضد امپریالیست در کسوری کم رشد مانند ایران کاهزد و رفت درآمد کلانی دارد، بخش مهمی از این درآمد را بطور عقلانی به رشد اقتصاد کشور اختصاص خواهد داد تا بتدریج کشور را از زیر استیلای اقتصادی امپریالیسم بدر آورد. اما شاه ضد امپریالیست چه میکند؟ تمام درآمد نفت را هر چه باشد افزایش بهای آن، به انواع وسائل و باره به کسبه امپریالیست ها بویژه امپریالیسم آمریکا باز میگرداند، این شاه "ضد امپریالیست" قضا کشور را روز بروز ورشکستکی میکشاند و آنرا بطور روز افزون وابسته به امپریالیسم میکند. کافی است عدم موازنه تجارتي ایران با امپریالیسم را با ایران چند سال پیش مقایسه کرد. اگر در گذشته نزدیک واریا

کارگران... بقیه از صفحه ۱
 به عنوان کارشناسی و تخصص ویژه در آن لانه کرده و در آن خوش میگردانند. توده ها زحمتکش ایران نه از زمین کارخانه سودی می برند و نه از محصول تولید شده در آن بهره ای میگیرند. سهم آنان کارشاق با دستمز ارزان و شرایط کار و زندگی توانفرسا است.

به اخبار زیر توجه کنید:
 ۱- در کارخانه ذوب آهن حوادث بسیاری برای کارگران اتفاق می افتد که برای نمونه میگویم:
 شش ماه پیش در پشت درب اصلی ذوب آهن وقتی پای دیوارهای بتونی را خاک میریختند یکی از دیوارها بر اثر برخورد بولفر بر روی دیوار دیگر فرو ریخت و چندین دیوار بر روی هم خراب شد و در نتیجه این جریان ۱۷ کارگر زیر آوار ماندند. بلافاصله مأمورین انتظامی محل حادثه را محاصره کردند که دیگر کارگران شاهد سرنوشت رفقای خود نباشند. منظره بیرون آوردن بدن ها دست و پا و سر که با بیل مکانیکی بیرون میآمد بسیار لغزش بود. عد های را نتوانستند خارج کنند. فردای آنروز هم بدستور شبیهی عملیات را توشه کردند.

ایران بطور کلی ۶ تا ۷ برابر صادرات بود اکنون واردات تا ۲۵ برابر صادرات بالاتر رفته است؛ در دست در موقعی که تولید برق ایران حتی برق شمال تهران را که چشم و چراغ پیشرفتهای کشور شاهنشاهی است نمیتواند تأمین کند - آنهم در کسوری که بهر روز دریائی از نفت و گاز خوابیده است - در حدود هشتصد ملیون دلار برای جلوگیری از ورشکستگی موسسه کرپ اختصاص میدهد، در موقعی که اکثریت قریب با نفاق در هات ایران دارای جاده برای حمل و نقل محصولات کشاورزی نیست، شاه میلیاردها دلار صرف خرید اسلحه میکند کما هو امانی خلیج فارس را برای امپریالیسم حفظ کند؛ در بودجه کشور از اهمیت تولید کشاورزی زیاد صحبت میشود ولی امروز خلق ایران برای ابتدائی ترین و حیاتی ترین محصولات کشاورزی باید دست بسوی امپریالیسم آمریکا و دیگران دراز کند! ... اینها حقایقی است که آنقدر تکرار شده و آنقدر آشکار است که نمیتوان از دید هیچ فردی یا گروهی که میخواهد در باره ما ایران قضاوت کند دور بماند.

برای آنکه نمونه دیگری نشان داده شود که چگونه شاه درآمد نفت را بر باد میدهد یا سخ شاه به شوال خیرنگار آسود شیند بر سر توجه کنید. خیرنگار میبرد؛ من تصور میکنم که در حال حاضر ۲۲ هزار آمریکائی غیر نظامی در خدمت شرکتهای آمریکائی در ایران بسر میبرند (۰۰۰) ممکن است بفرمائید که ایران بطور متوسط در ازای هر آمریکائی غیر نظامی چه مبلغی به شرکتهای آمریکا می پردازد؟ من ارقام بسیار بزرگی در این مورد شنیده ام. کسی بمن گفت که حتی حقوق ماهانه در واژه هزار دلار هم هست. پاسخ شاه چنین است: در مورد عد های حتی از این هم بیشتر. البته نه اینکه تصور کنید این افراد عالیترین مدارج تحصیلات دانشگاهی را دارند. نام آن مکانیک متخصص را شما چسبید، هم آنها را که کار هواپیما را اداره میکنند؟... این پرداخت به سالی ۱۵۰ هزار دلار برای هر نفر میبرد... بعضی از مردم فکر میکنند که ایران کشور جاق و جله و جلد اری است که نمیدانند پول خودش را چگونه خرج کند بنا بر این آنها باید پول مارا از ما بیرون بکشند اما این گروه نمیدانند که هر شاهی پول این کشور صرف برنامه های عمرانی میشود.

در واژه هزار دلار یعنی هشتاد و چهار هزار تومان حقوق ماهیانه يك "مکانیکی" که به کار هواپیما میرسد و محالترین مدارج تحصیلات دانشگاهی را هم ندارد. در حالی که يك استاد دانشگاه تهران که تمام مدارج دانشگاهی را هم پیموده از ۶ تا ۷ هزار تومان حقوق میگیرد. حال اگر تعداد کارشناسان آمریکا را آنطور که خیرنگار تصور میکند ۲۲ هزار بگیریم در حالی که این رقم فعلا ۲۵ تا ۳۰ هزار است و اگر حقوق شالیانه هر يك از آنها را بقول شاه یکمده و پنجاه هزار دلار فرض کنیم، يك حساب ساده نشان میدهد که شالیانه لاه سه میلیارد و سیصد ملیون دلار فقط صرف پرداخت حقوق کارشناسان آمریکائی میشود. و شاه با پیروشی بی نظیری در همان موقع که این ارقام را میدهد میگوید: "هر شاهی پول این کشور صرف برنامه عمرانی میشود". چنین است مصارف درآمد نفت و لوانکه ده درصد یا ده درصد بر بهای آن افزوده شود. ولی آن گروه هائی را که با حاجت میخواهند از شاه يك عنصر ضد امپریالیست بسازند با این واقعیات چکار است. آنها تصمیم خود را گرفته اند. و اگر واقعیات با تصمیم آنها نمیخواند بداحمال واقعیات!

۲- سه ماه پیش تونل سیمان "آریامهر" فروریخته که در این حادثه جمعا ۲۲ کارگر کشته شدند. اینها اهل چمن گردان (يك پدرو پسر) مبارکه، ریز، هفتجه جان و اصعبان بودند زن و بچه های آنها را مانند اسیران با کمرسی به محل حادثه بردند تا کسان خود را پیدا کنند.

۳- يك ماه پیش در اسلکت قلزی "ك سازی" کارخانه، سه کارگر شب کار بعلت نبودن کمر بند ایمنی و روزگوشی ایمنی پرت شدند. یکی از آنها بر روی کف و خون مقلاشی شد، دست یکی و کف سوسی شکست.

چندی قبل حسن شکوری اهل خوی شماره کارگری ۹۹۹۰۶ کارگر گروه آمانی قضای سبز ازای ۲۱ فرزند که از شش ماه قبل از ذوب آهن تقاضای اطاق کرده بود بجه اش فوت میکند. برای دفن او ۴۰۰ تومان میخواستند که نداشت. بجه مرده چند سگ روی دست او میبند تا با كك هسانیه ها او را دفن میکنند. میگفت: حقوق بجائی نمیرسد زخم در خانه های دیروز بر کف میبند. در این قضیه مثل اینکه يك فتنه توی ظلم خالی کردند.

کارگران ذوب آهن برای رسیدن بسرکار صبح هاساعت چهار از خانه بیرون میروند پس از معطلی زیاد با اتوبوس های بدون بخاری ساعت شش صبح میروند. ساعت شش عصر بعد از کار جانفرس آمد تها در صف خروج کنترل معطل میشوند و تا زمیس از آن باید سافت زیاد یراد رعد و چهار کیلومتر تند تا به اتوبوس برسند. این فاصله يك زمین ناهموار است که پیرو ها در خاک و سنگ پس از خستگی روزانه کمتر از یک ساعت نمیتوانند طی کنند و ساعت هشت شب بخانه میروند و ملاحظه میکنید که در چهار ساعت وقت اینها با کارشاق بدون مزد در سرور. البته به بعضی از کارگران در آرایشگاه ها داده شده این خانه ها در ساختمان های دوازه طبقه بدون آب و آسانسور است. نه شوفاژ دارد و نه آب حمام (به علت نزدیکن لوله ها). يك زن رشتی با پنسیج و شش بچه میگفت: این نزدیک هیچ مغازه نیست، اینجا مثل زندان است. اگر بخوایم بروم غذا بگیرم بچه ها تنها هستند پرت میشوند.

کارگران ذوب آهن در هر ماه ۱۵۰ لیلوسهم برنج دارند که آنرا هم از شش ماه پیش به اینظرفی نداده اند. ماهه التفاوت حقوق کارگران را نیز از پارسال نبرد اخته اند.

اخیرا عد های از ازابل، قاین، گلشن و بهشهر به ذوب آهن آورده اند و ته آنها و ده... ۶ تومان مزد روزانه میدهند آنها هم خانه وزندگی را فروخته راهی اصفهان شده اند و اکنون روزانه فقط ۲ تومان مزد به آنها میدهند. دیگر ابر کشت برای آنها نمانده است.

حال بد نیست سزی هم به "تاوارش" های روسی برنیم که در هتل های مجسزه و ۲ طبقه زندگی میکنند؛ اتوبوس دولتی در اختیار آنهاست؛ يك اکیپ بهره برداری مسئول کوچکترین تعمیر خانه های آنهاست (شوفاژ، آب، برق و غیره) زن و بچه آنها در آسایش کامل بسر میبرند در "سزار" فریدن برای آنها بیست اسکی ساخته اند و در بالای دریاچه و تله هائی برای خوشگذرانی آنها بنا شده است، تعطیلات خود را اغلب با زنان آنجانی در کنار دریاچه سد میگذرانند و به قایق رانی و عیاشی مشغولند. چند ی پیش در روز عاشورا یکی از زنهای آنها لخت و سر به خیابان میروند و وفای بر سر میشود.

ماشیه زندگی و رفتار این "تاوارش" ها را در مصر می شناسیم اکنون بانومنه دیگری از آن روز و شوم. روین نیست ها در این آرزو بسر میبرند که سراسر ایران مانند کارخانه ذوب آهن تحت استیلا "تاوارش" های روسی در آید آنگاه گویا استقلال اقتصاد ایران به مثابه مکمل "استقلال" سیاسی و لاد نظامی تا "مین شده ماست. این "استقلال" از زانی آنها با مردم میهن مارا بچنین استقلالی نیازی نیست.

کوتیست ها باید پیوسته بروی دفاع از حقیقت آماده باشند زیرا که حقیقت در جهت منافع خلق است؛ کوتیست ها باید پیوسته برای اصلاح اشتباهات خویش آماده باشند زیرا که اشتباهات در تضاد با منافع خلق است. بیست و چهار سال تجربه بما نشان میدهد که وظیفه سیاست وسبک کار درست همیشه با خواست های توده ها در زمان و مکان معین منطبق است و رشته های پیوند مارا با توده ها مستحکم میکند. وظیفه سیاست وسبک کار نادرست هرگز با خواستهای توده ها در زمان و مکان معین منطبق نیست و مارا از توده ها جدا میسازد.

آینده... بقیه از صفحه ۱
 ازادی فردی و اجتماعی
 باخسوندت بمانند یایمال میشود، قتل و کشتار مردم امری رایج
 است. بسخن کوتاه سراسر سال گذشته رژیم شاه مانند جغد
 شوی بر فراز صحنه مانوای ویرانی و مرگ مینواخت.
 اما اگر ترانامه حیات تنگین شاه روزیش سیاه و مصیبت بار
 است، ترانامه تلاش و کوشش توده های امیرورنجیدیده بسی
 تابناک است و آینده روشنی را نپدید میدهد. طی سال گذشته
 علی رغم ترور و اختناق بی نظیر مبارزات مردم و در پیشاپیش آنها
 طبقه کارگر علیه بیعدالتی و بیحقی نمنهائی قطع نشد بلکه بر
 وسعت و دامنه آن افزود. اعتصابات کارگران برای احقاق حق
 خویش ادامه یافت. دانشگاه ها از تظاهرات علیه رژیم بساز
 نایستادند، مبارزه دهقانان علیه اجحافات رژیم و مامورین
 ظالم و ستکار شوق نگرید، موج عدم رضایت شدید سراسر
 ایران را پوشانید.

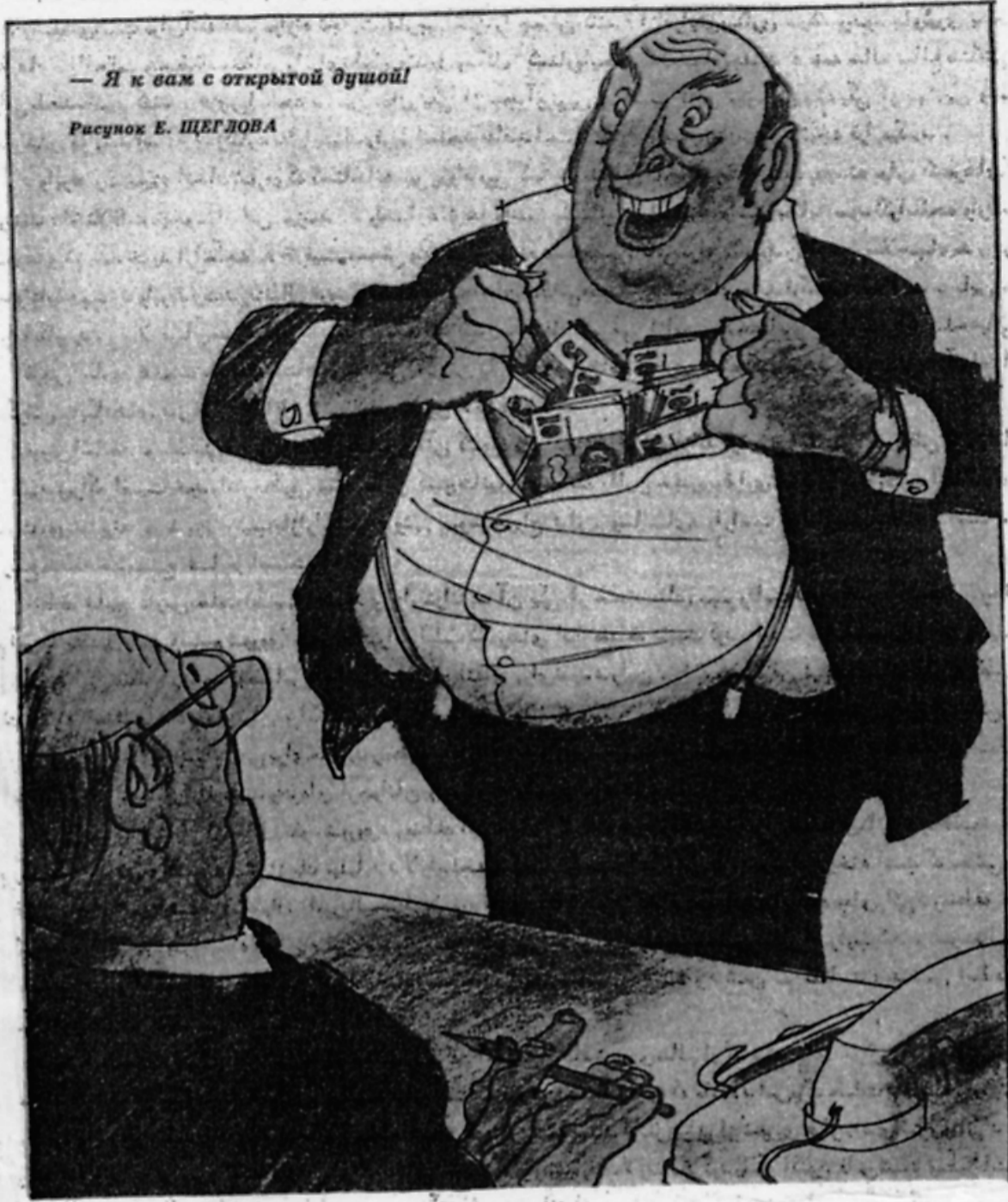
بدریج راه صحیح مبارزه در میان عناصر آگاه ما روشنتر
 گرفته تا کارگر را مغرور می کشاید. بر اثر ناگامی های ناشی از شیوه
 های نادرست مبارزه کم کم مبارزان به این حقیقت پی میبرند که
 بدون حزب سیاسی طبقه کارگر حزبی کمپتان ستاد مبارزه به
 تدوین توده ها راه آگاه کند، سازمان دهد و مبارزه بدرستی
 رهبری کند. کار تیرد علیه رژیم سرانجامی نخواهد یافت. از
 اینرو است که جنبش بخاطر احیای حزب طبقه کارگر توسعه مییابد
 شراکت تلاش و کوشش عناصر آگاه در احیای حزب طبقه کارگر امید
 بخش است. مایقین داریم که پیوسته توجه عناصر آگاه بیشتری
 بدین سمت معطوف میگردد، عناصر بیشتری به احیای حزب
 طبقه کارگر جلب میشوند و این مرحله از مبارزه - مرحله احیای
 حزب طبقه کارگر - با سرعت بیشتری طی خواهد شد.

آینده مبارزه همچون ستاره سحر در رخشان و نورانی در
 برابر ما است. در یگاری که میان نور تاریکی در گرفته و روز بروز خدات
 می پذیرد سیاهی روز و نوال سرود و پیروزی از آن نور است، نوری که
 در چهره زنجیریدگی پرچین و چروک رنجبران ایران، در فعالیت
 اجتماعی مغرب و در زمین حال سازنده آنها میدرخشد. همین
 آینده تابناک است که نوجوی از امید و شادی در جان و تن این مبارز
 میریزد. آینده های کمپروزی آنرا از هم اکنون میتوان تهنیت گفت.

نظام... بقیه از صفحه ۴
 اطلاعات ۲۹/۴

چنین است واقعیت روستاهای ایران از زبان یکی از زمین
 های رژیم. روزنامه کیهان نیز (۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۵) در تار
 این واقعیت چنین می نویسد: در حال حاضر بیشتر فعالیت زارع در
 جهت تامین مواد خوراکی مورد نیاز خود میباشد. اوستولیت خود
 را در تولید ملی و مبارزه با فقر جهانی احساس نمیکند زیرا بصیرت لازم
 نداشته و تعلیمات ضروری بود او نشده است. البته این رژیم
 ضد ملی شاه است که دهقانان را بدست فراموش سپرد و آنها را از
 هستی ساقط کرده است. گناه آن دهقانان زحمتکش همین مسا
 نیست. ولی آنچه که برای اینجا مورد بحث است چیز دیگری است.
 شاه هر چه رهم بخواهد باز روزی بر مردم ایران و از آن جمله
 دهقانان راه در روزه های تمدن بزرگ برساند. و این احساق
 نمی بیند که باز روزی نشود تکامل جامعه را به پیش راند. بعد
 که از نظام فئودالی و اصلاحات ارضی به سرمایه داری دردت جنبات
 زمان طولانی می طلبد. یک دولت واقعات بود می تواند با اقدامات
 مقتضی تکامل جامعه را در راه صحیح تسریع کند ولی رژیم شاه که
 وظیفه اش فراهم آوردن شرایط مساعد برای غارتگری سرمایه داران
 داخلی و ویژه خارجی است در جهت تسریع تکامل جامعه حتی
 در راه سرمایه داری هم حرکت نمیکند. سیاست او در زمینه کشاورزی
 ایجاد واحد های بزرگ زراعت و دامپروری با دولت سرمایه داران
 خارجی بطفیل توده های دهقانی است. در این میان دهقانان
 که تولید کنندگان اصلی اند بدست فراموش سپرده شد مانند
 و در نتیجه تولید آنها در همان سطح عقب مانده باقی ماند است.

عنوان مکاتبات
 X.DR. GIOVANNA GRONDA
 87030 ARCAVACATA (CS) ITALY
 حساب بانکی
 X.DR. GIOVANNA GRONDA
 CONTO 17549/11
 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
 MILANO / ITALY



رشوه خواری در شوروی
 "من با قلبی باز به نزد شما آمده ام"
 (از نشریه "کروکودیل" چاپ مسکو شماره ۲۰ ژوئیه ۱۹۷۶)

در باره... بقیه از صفحه ۴
 مخدر فقط یک روی مدال
 است. روی دیگر آن اینست که در دودمان پهلوی که خیال دارد
 عمر سلسله پهلویان را به عمر توح برساند و هم اکنون شاه توطئه
 خود را برای گزیدن و دریدن تعلیم داده و بسوی مردم ایران کش
 میدهد میخواهد با معتاد کردن جوانان آنها را به همه چیز بوز
 مبارزه لا یتد و بی تفاوت گرداند، پول آنها را بستاند و آنها را بی
 دنیای "هیروت" بفرستد و پس از چندی جان آنها را هم بگیرد. چنان
 در باره پهلوی در قاچاق مواد مخدر رهله جانیه است. بیپند و بی
 که شبکه قاچاق در بار باپرداخت پولهای گزاف به دانش آموزان
 آنها را شکار میکند و در مدت کوتاهی از آنها یک عامل توزیع وزیده
 می سازد.
 در دودمان پهلوی اعتیاد به مواد مخدر در میان مردم بوز
 جوانان شیوع میدهد اما به پلیس نیز این وظیفه را محول نمیاید
 که با قاچاق مواد مخدر مبارزه کند، پلیس در این "شود آگری مرگ"
 خود دستیار در بار پهلوی است ولی گاه گاه با توقیف چند تن روسک
 جنجال مطبوعاتی چنین مییابد که رژیم شاه در مبارزه با مواد
 مخدر رکوابادی است. به طبق آماری که شهرتانی در اختیار
 نویسنده: کیهان گذارد طی هفت ماه ۱۶۷۲ تن به اتهام
 حمل و استعمال و توزیع مواد مخدر دستگیر شد مانند مناطق روم
 "جدیت" شهرتانی استعمال مواد مخدر پیوسته به افراد بیشتری
 سرایت میکند. تحقیق مفصلی که در باره مواد مخدر در میان نشر
 دانش آموزان کردیم نشان داد که حشیش در میان دختران در
 آموزشگاه یافته است. "حشیش در دبیرستانها خیلی زیاد است
 بسیاری از دختران که در اینگونه مدارس درس میخوانند این مواد
 را همراه خود میاورند و مصرف میکنند، در وزیر سلطه دودمان
 پهلوی جز این هم نمیتواند باشد.
 تا زمانی که دست امیرالایم از ایران کوتاه نشود، شیوه
 مردم بدست مردم نیفتد خلق روی سعادت تو نیکبختی نخواهد دید.

شیلی... بقیه از صفحه ۴
 اما کربا این شاید بی
 میتوان حقیقت را پنهان داشت؟ مگر اشرف و دربار توانستند با
 این دسائس قاچاق مواد مخدر را از نظر جهانیان پنهان دارند؟
 نمونه دیگر در ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ مقادیر زیادی مس بهبهای
 ملیونها مارک آلمان از کشتی تخلیه و به مقصد فرستاد شد فرستند
 آن "کوزینو اسپین دل کوه" (شرکت نس) در سانتیاگو بگیرنده
 "اینتراک هندلس گزلفاقت" در برلین شرقی، خیابان پستالور
 شماره ۸/۵ شماره بانکی ۱۰۶۰۰۶۲۰ در بانک مارین -
 میدلند لندن نشان میدهد که جمهوری دیمکراتیک آلمان بهای
 آنرا به پول نقد پرداخته است.
 هم اکنون سانتیاگو در انتظار هیئت از آلمان شرقی است
 برای آنکه به نمایندگی از جانب تمام کشورهای اروپای شرقی در باره
 ۳ میلیون دلاری کابین کشورهای رگد شده به دولت آلمند قرص
 داد مانند باد دولت پیوسته وارد میزند اگره شود و این خود میرساند
 که رابطه این دولت با یار و ملت فاشیست شیلی هنوز برقرار است
 وقتی این خبر انتشار یافت دولت هونگر از ایاب خود دفاع کرد که
 شوروی گویا دشمن آشتی ناپذیر فاشیسم است و بدین شد کمپتان
 کشورهای "سوسیالیستی" و شیلی هیچگونه رابطه ای نه تجاری و
 نه عادی وجود ندارد. اما با رژیم در بندرها میبورد که یکی از
 بناد رعمده تجارت کشورهای اروپای غربی است اسناد
 تلقی تازمائی بدست آمده دال بر اینکه مؤسسه دولتی مجاری
 "مثال اینکس از جمله ۸۰ تن آلومینیوم بدولت شیلی فروخته
 است.
 مبارزه با فاشیسم و تبعیض نژادی از جانب کشورهای که به
 هیچ اصلی بند نیستند و از سوسیالیسم جز نامند ارند فقط بزرگو
 است برای آنکه چهره واقعی خود را در رشت آن بیوشانند. آنها
 شوروی امپریالیستی است غدار و خلیه گر، باید آنرا شناخت تا از افش
 آن آوار دست آن در امان ماند.

پیوند با توده ها سرچشمه موفقیت است

دربار پهلوی و اعتیاد مواد مخدر

روزنامه های ایران بار دیگر باره "اعتیاد جوانان به مواد مخدر" موضوعی است که باعث و باطنی شیوع مواد مخدر در ایران خوانند پهلوی است که از این بیسوسد های کلانی میبرد. کوسر سوانی خاند پهلوی را بنامه "قاچاقچی مواد مخدر بر سر بازار جهانی زد مانند. بار اعضا خاندان سلطنتی و از جمله اشرف پهلوی بعلت حمل قاچاق مواد مخدر در کشورهای خارجی مورد تعقیب قرار گرفتند. ولی هر بار بر حاد شده متضخ و تنگ آوری میوش گذاشته است. این معلوم است در صحنه ایران، در آنجائی که برزندگی و حیات مردم تسلطی نامحدود دارند چگونه به شیوع مواد مخدر می یزد ازند. چگونه برای شیوع مواد مخدر در سستان بازماند. قانون اعدا امپرا قاچاقچیان مواد مخدر که گاهی نیز ستاویز اعدا م عناصر میبین - پرست قرار میگیرد فقط در مورد رقیبان معدود در بار پهلوی اجرا میشود یاد مورد کسانی که زند بودن نشان خطر افشا اسرار قاچاق در بار را بر بردارد.

این ننگ خاندان "پهلوی را آنقدر رگفته و نوشته و جاززده که کتر کسی از آن بی اطلاع است. معدنك روزنامه "کیهان در علت اعتیاد جوانان بر آنست که "خانواده بزرگترین عاملی است که کورک را بسوی اعتیاد سوق میدهد". نویسنده یا واقعیت رانی - بینه (کمی بینه) و یا خود را بینه ائی میزند. او تولید کننده و سازنده قاچاقچی و شیوع دهنده مواد مخدر یعنی در بارها میکند برای آنکه بچه خانواد را بگیرد. بدیهی است با چنین تحلیل و تحقیقی از شیوع مواد مخدر و لزوم جلوگیری از آن بکار مبارزه با اعتیاد بجائی نمیتواند برسد و نمیرسد.

تحصیل سود از تزویج و پخش مواد بقیه صفحه ۳

شیلی و کشورهای رونیونیستی

کشورهای رونیونیستی و در آنجا اتحاد شوروی آنجا که پای پول و سود و منافع در میان نیاید و ولت فاشیست یا نژاد پرست نبی شناسند، آنها زخرفی و ناپیشتر قلم شدیدی ترین حملات را به رژیم پینوشت در شیلی یاد ولت نژاد پرست یان اسمیت میکنند ولی بد رتبهان روابط خود را با آنها حفظ مینمایند و در زیر پرده مبادلات تجارتنی خود را با آنها ادامه میدهند. حملات زبانی و طمی بخاطر آنست که روابط خود را از انتظار پیششانند. اتحاد شوروی برای آنکه خود را از معروض فکر عمومی دور و رمان نکند از تجارت خود را با این کشورها با واسطه و از طریق اقهار خود بویزه بلغارستان و آلمان شرقی که بصورت نوکران هست و نظیفی درآمد مانند انجام میدهد. چندی پیش ریگی از کمیسیونهای سازمان ملل متحد کشورهای شرقی اروپا و از آنجمله اتحاد شوروی بعلت اینکه در خفا قطعنامه سازمان ملل را در اکثریه قطع روابط با دولت نژاد پرست یان اسمیت زیر پا گذارد مانند مورد ملامت واقع شدند. اکنون بارت دیگر این کشورها سرزشت میشوند که روابط تجاری خود را با دولت فاشیست شیلی ادامه و سحتی توسعه میدهند.

اتحاد شوروی و کشورهای رونیونیستی که بظاهرو با کارانه هرگونه رابطه ای را از جانب هر دولتی با رژیم پینوشت نکوش میکنند. همین اتحاد شوروی که به جمهوری تون فای چین که پس از سقوط آئنده روابط سیاسی خود را با جانشین اقطع نکرد شد بداحظه برده خود واقار شهاد ولت شیلی شناسیات عادی و تجارتنی دارند.

خودتان تفاوت کنید. ما مؤمنین کرم الجزایر ضمن انجا ماوریت خود به اشتنازی تقنی دست یافتند که به کک آنها یک موسسه تجارتنی بلغاری بنام "کینتکس" میخواست است تانکهای شوروی از نوع ۵۰-۳ راه شیلی بفرستد. این سلاحها در بندر ریکسلاوی "ریهکا" بارگیری شده بود مانند. صوفیه فوراً این امر را تذکره کرد همه آثار موسسه تجارتنی کینتکس از میان برد و حتی این نام را از دفتر تلفن هم بیرون کشید. بقیه صفحه ۳

فروش اسلحه و منطقه خلیج فارس

اسلحه است که از جانب د و ابر قدرت بسوی کشورهای خلیج فارس سرازیر میشود. فروش اسلحه در دست و ابر قدرت آمریکا و روسیه وسیله ای است برای آنکه عدم موازنه تجارت خارجی خود را جبران کنند. از افزایش بیگاری در کشورهای جلوه گیری بعمل آورند. هزینه های مطالعات و تحقیقات نظامی را برای تکمیل و تکامل وسائل کشتار و ایجاد سلاحهای جدید که همه ساله مبالغ هنگفتی از درآمد ملی را می بلعد تا مین کنند. فروش اسلحه در عین حال یکی از سودآورترین و مناسب ترین سوداگریها، یکی از بهترین وسیله برای نفوذ در کشورهای کم رشد است و در کارنامه این نهاد و فروش اسلحه مقاصد استراتژیک و ابر قدرت نیز مورد توجه قرار میگیرد.

د و ابر قدرت بویزه اتحاد شوروی که گستاخانه و بی پروا روی گسترش مناطق نفوذ خویش است، پیوسته میان کشورهای کم رشد اختلا می آفرینند. اختلافات موجود را در امن میزنند. د ولتها و خلقها را علیه یکدیگر برمی انگیزند و آنگاه بنامه سوداگر اسلحه وارد میدان میشوند اما کشورهای کم رشد خرید اسلحه نه ظرفیت صنعتی و تکنیکی لازم و نه متخصصین کافی برای بکار بردن این سلاحهای مدرن را اختیار میکنند. دارند و از اینجهت د و ابر قدرت در نبال فروش اسلحه کارشناسان نظامی خود را به کشورهای خریدار کسبیل میدارند. باین منظور ککویار آنها را با بکار بردن سلاحهای جدید آشنا سازند. معدنك کنترل استفاده برخی از این سلاحها را اختیار نمود اگر اسلحه باقی میماند. فروش اسلحه همیشه باین دست های سیاسی و گرفتن پایگاههای نظامی و در صورتیکه کشور خریدار اسلحه ای در آبراههای مهم داشته باشد گرفتن پایگاههای دریائی یا لاطل تسهیلات بندری همراه است.

فروش اسلحه توسط یکی از د و ابر قدرت به این با آن کشور بویزه اگر مانند ایران از اندازه برون باشد، سوطن کشورهای مجاور را برسی انگیزد زیرا که امنیت خود را در خطری می بیند. این کشورها نیز برای مقابله با این خطر و برقراری تعادل برای خرید اسلحه به این یا آن ابر قدرت روی میآورند. بدین ترتیب بازار اسلحه فروشی پیوسته رواج دارد و سالهای دراز است که از روسی سفارده است. یکی از نمونه های این وضع منطقه خلیج فارس است.

منطقه خلیج فارس بعلت اهمیت اقتصادی و استراتژیک آن یکی از صحنه های مهم رقابت د و ابر قدرت است. در حال حاضر آمریکا لیس آمریکا بطفیل امپریالیسم شوروی نفوذ خود را در اغلب کشورهای این منطقه تثبیت کرده است. اما سوسیال امپریالیسم شوروی که چشم طمع به این منطقه پر ثروت و حساس و بخته از هیچ توطئه ای برای نفوذ در این منطقه روگردان نیست. بیاد بیآوریم که در همین گذشته نزدیک چگونه "مسئله ای" را در ایران و پاکستان و عراق و ستاویز قرار داد. مورد ناشاید مانند بنگلادش کشور بلوچ یا عربستان طی در این منطقه بوجود آورد و از آن برای خود پایگاهی برای حضور در منطقه بسازد و چگونه روین و نیست ها در عراق لانه کرد نیز بدستور آریاب، بخاطر منافع اوسازمانهای "آزاد بخش" آفریدند و عدای از جوانان را بپهلو برداشتند.

فروش اسلحه نیز یکی از وسائل نفوذ شوروی در منطقه است و باید گفت که در سوداگری مرگ از رقیب آمریکائی خود عقب نیماند. امپریالیسم روس طی سالهای گذشته بیش از یک میلیارد دلار اسلحه و مهمات و تجهیزات جنگی به رژیم شاه فروخته است که بخشی از آن در دست خلیج فارس بکار افتاده است. سوسیال امپریالیسم از کسبه خلق طفاق "کک" نظامی میدهد برای آنکه جای پائی در منطقه خلیج برای خود بگشاید. از سوی دیگر شاه ایران، این دشمن خلق طفاق نیز اسلحه می فروشد که خلق طفاق را سرکوب کند. سوسیال امپریالیسم آنجا که مسئله فروش اسلحه بمان میاید و آنجا که منافع آزمندان اومطرخ است دست و دشمن نمی شناسد، بدشمن اسلحه می فروشد تا دست را از پای در آورد.

فروش اسلحه به ایران کوچکترین رقم سوداگری مرگ است. اتحاد شوروی سالهای گذشته برای سرکوب قیام خلق کرد عراق که مورد استفاد شاه قرار گرفت صد ها میلیون دلار به عراق اسلحه فروخت. اسلحه های که مانند در اس مرگ حیات ده ها هزار پیش مرگان وزنان و کودکان کرد را در کرد. در ۱۷ اوت سال گذشته هنگام دیدار رئیس ستاد ارتش عراق از شوروی قرارداد ادی سری میان دولت بعثی عراق و اتحاد شوروی برای خرید اسلحه و تجهیزات نظامی مبلغ چهار میلیارد دلار منعقد گردید که اکنون فاش شده و مطبوعات از آن خبر داد مانند. این تجهیزات شامل صد ها تانک مدرن، آتشبار موشک انداز، موشکهای مختلف، هواپیماهای میگ ۲۵ و ۲۳ ناوهای جنگی موشک انداز و توپخانه سنگین و غیره است.

همانطور که انتظار میرفت قرارداد به فروش اسلحه محدود نمیشود. سبیل کارشناسان و تکنیسین های نظامی شوروی است که رهسار عراق خواهد شد. بطوری که گفته میشود تعداد کارشناسان شوروی در عراق اکنون به ۱۵ هزار نفر میرسد. در کار حضور کارشناسان نظامی شوروی پایگاه هائی در اختیار شوروی قرار گرفته است.

در بخش سیاسی این قرارداد شوروی از دعوی ارضی عراق نسبت به کویت پشتیبانی خواهد کرد. دولت عراق نسبت به جزایر ساحلی کویت ادعاهائی دارد که شوروی نیز در آن بی نظر نیست. این معامله کلان اسلحه که نمیتوانست و نمیتواند تعادل نیروهای نظامی منطقه را بشکند. کشورهای عربستان سعودی و کویت را برانگیخت تا در تقویت نظامی خود بکوشند. کویت بویزه عربستان سعودی را به خرید اسلحه و این بار البته از ابر قدرت آمریکا دست زده اند. آمریکا که رژیم ایران را به زاندر ارضی منطقه برگمارده از رقابت د تولید کننده بزرگ نفت منطقه استفاد میکند. اکنون ده ها هزار کارکنان آمریکائی در عربستان سعودی لانه کرد مانند. خبری حاکی است که این تعداد در ۱۹۸۰ به ۲۵۰ هزار نفر خواهد رسید. بدیهی است انباشته شدن اینهمه اسلحه خالصی از مخاطره نیست. اما، مگر نه اینست که ابر قدرت است با زاگی آلود میکنند برای آنکه با سهولت ماهی بگیرند؟

نظام سرمایه داری در روستای ایران !!؟

به جیب روارزش اقتصادی ندارند. حمل و نقل کالا های روستائی در آنها همرا با آسیب رسانی است. راههای جیب رو نمیتوانند از ارتباطی و سیاسی و نظامی داشته باشند. اما هرگز از رزش تجاری و اقتصادی ندارند. ناچار ۵۳۱ دهه که راه جیب رو دارند و ۱۹۱۲ دهه که راه آنها مال روایت یا خود مصرفی اند و در حدود منظومه های روستائی مربوط تجارت میکنند (تکیه از ما است). بدین ترتیب اگر واحدهای بزرگ تولید کشاورزی را کنار بگذریم روستای ایران در مجموع خود از شیوه سرمایه داری بیخست بدور است.

در مورد ماشینهای کشاورزی در روستای ایران چنین توضیح میدهد " موجودی ماشین آلات در روستا معلوم نیست. تعد از تراکتور ها ناچیز است حتی اگر روستاهای کوهستانی را ضما کنیم بهر ده یک تراکتور نمیرسد. بهمین دلیل میدانیم که بطور نمونه ۱/۴ درصد تراکتور ها از کار افتاد مانند. اما میدانیم چند درصد از آنها استفاد مانند. در مورد کبیا که ابزار پیچید تراست نسبت از کار افتاد بهاسه برابریست ۱۲/۷ درصد میرسد. در مورد تیلرها این نسبت به ۱/۶ درصد میرسد و بی تردید ظرفیت کارائی قابل استفاد هاز. درصد بالا تر نمیتواند باشد. بقیه صفحه ۳

از تولید کوچک و مبادله است که سرمایه داری میزاید. بر تجارت سرمایه داری باید حد اقلی از "تأ" منیسات زیربنائی و مهندز از همه راههائی که بتوان از آنها کالا حمل کرد وجود داشته باشد. بدین وجود راه هائی که با استفاد از آنها هفتان بتواند محمولات خود را به بازار برساند. امکان فروش محصولات نیست. حتمی امکان تولید کالائی هم در مراحل بدوی باقی میماند.

وضع روستای ایران از چه قرار است؟ شاه ایران برای آنها نزدیک شدن ایران به "مدن بزرگ" چند راه شوسه و اسفالتی ساخته است: برای مبارزه با نیروهای انقلابی مسلح سرمایه روستائی ایران را با جاده های جیب رومجهز ساخته است معدنك هیچگونه راهی برای حمل کالا های هفتان وجود ندارد و در نتیجه اقتصاد روستاهای ایران یا خود کفایتی است و یا آنکه محصولات تولیدی آنها بعلت عدم امکان ورود به بازار در نتیجه فقر راههای مناسب می پوسد و از بین میروند.

این نتیجه گیری از مانیتس، نتیجه گیری یک سباهی دانش "بمقدار" نیست که بتوان با تحقیر بدین و خوروری آنرا بدیده افکند. این نتیجه گیری یکی از دستنهای تبلیغاتی رژیم کماطوب یعنی در رسوم از روستاهای ما راه تجارتنی دارند. راه های مغرور